

۱۶	دریاچه دیگر آب ندارد مژگان جمشیدی	۱۵	بزرگ‌ترین تالار مطالعه جهان ابراهیم اسکافی	۱۴	فعالیت زیرزمینی؛ زیر زمین مریم بابایی
۱۴	اقتصاد زیرزمینی بازدارنده رشد و توسعه مهدی تقوی	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰

گفت‌وگو با فرشاد مومنی درباره فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی

باز هم جای پای طلای سیاه



مریم بابایی
maryam.babaei8@gmail.com

– آقای دکتر این روزها شاهد رشد فعالیت‌های اقتصادی در جامعه هستیم که به آن اقتصاد سایه، اقتصاد زیر زمینی و در مواردی اقتصاد سیاه می‌گویند، تعریف شما به عنوان یک اقتصاددان از این فعالیت‌ها چیست؟

همان طور که می‌دانید تنوع معادل‌هایی که برای یک زمینه موضوعی در نظر گرفته می‌شود، دلایل متعددی دارد. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این باشد که این مفهوم با مفاهیم دیگر همپوشانی‌های زیادی پیدا می‌کند. اما به طور کلی در ادبیات موضوع، برای اقتصاد غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی پنج ضابطه عمده مطرح می‌شود و بر حسب آنها، معادل‌هایی که شما اشاره کردید به شکل مناسب معنی‌دار می‌شود. این پنج ضابطه عبارتند از غیرقابل مشاهده بودن، به این معنا که این فعالیت‌ها تحت پوشش نظام آمار و اطلاعات رسمی و همچنین نظام حساب‌های ملی قرار نمی‌گیرند. به طور طبیعی به دنبال غیرقابل مشاهده بودن ویژگی دوم این فعالیت‌ها که غیرقابل نظارت بودن است، موضوعیت پیدا می‌کند. مولفه سوم یا ضابطه سوم که برای این فعالیت‌ها در نظر گرفته می‌شود، بر خلاف قانون بودن است. مولفه چهارم بی‌اعتنایی فعالیت‌های این بخش به استانداردهای تعریف‌شده در جامعه است و در نهایت مولفه پنجم گریز از پرداخت مالیات است. در نتیجه بر حسب اینکه هر فعالیتی کدام یک از این ویژگی‌ها را شامل شود مثلاً بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در بخش غیررسمی و زیرزمینی وجود دارد که به هیچ وجه خلاف قانون نیست. حتی خلاف اخلاق هم نیست اما بنا بر دلایلی چهار مولفه دیگر را دارد. در عین حال فعالیت‌هایی مثل پولشویی، فساد مالی و قاچاق هم که وجود دارد غیررسمی محسوب می‌شوند. اما مولفه کلیدی آنها این است که از لحاظ اخلاقی و قانون مذموم شمرده می‌شوند در عین حال که غیرقابل مشاهده و غیرقابل نظارت هستند و استانداردهای لازم را رعایت نمی‌کنند و مالیات هم نمی‌پردازند. بنابراین به نظر می‌رسد با این پنج ضابطه کلیدی می‌توانیم یک تصویر عام و کلی از مجموع فعالیت‌هایی ارائه کنیم که مذموم‌اند و ماهیت غیررسمی و زیرزمینی دارند.

– فکر می‌کنید فرار مالیاتی کدام یک از این دو دسته از فعالیت‌ها بیشتر است؟ در واقع ما می‌خواهیم بدانیم بیشترین ضرر از جانب کدام دسته به اقتصاد کشور وارد می‌شود؛ فعالیت‌هایی که بزرگ‌ترین ایرادشان نپرداختن مالیات است یا فعالیت‌هایی که علاوه بر نپرداختن مالیات و ثبت نشدن، غیرقانونی و خلاف هم محسوب می‌شوند؟

طبیعتاً هم به واسطه گستره فعالیت و هم به واسطه وزن اقتصادی، فعالیت‌های غیرقانونی در این میان ضریب اهمیت بیشتری دارند. از طرف دیگر فعالیت‌های غیرقانونی به لحاظ آثار و پیامدهای سوئی که مضمونی ضدتوسعای دارند، اهمیت بیشتری دارند و به طور نسبی نظام‌های تصمیم‌گیری و مدیریت‌های توسعه‌گرا به این وجوه با ضریب اهمیت بیشتری توجه می‌کنند.

– می‌توانید به صورت مصداقی آثار زیانبار این فعالیت‌ها را بر اقتصاد کلان توضیح دهید؟

مثلاً فعالیتی مثل قاچاق مواد مخدر را در نظر بگیرید. برآورد شده است که گردش مالی این فعالیت در مقیاس جهانی حدود ۶۰۰ میلیارد دلار است. یعنی بالغ بر یک و نیم برابر تولید ناخالص ملی ایران. این فعالیت علاوه بر اینکه از این زاویه اهمیت دارد به واسطه اینکه آثار و پیامدهای سوئی روی سلامتی افراد و توانایی آنها برای انجام کار شرافتمندانه می‌گذارد و همچنین به واسطه تأثیراتی که روی فعالیت‌هایی مثل سرقت، جرم، جنایت و انواع اهنجاری‌های اجتماعی دیگر می‌گذارد، برای همه کشورهای دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر دولت هم به دلیل آثاری که روی مهم‌ترین عامل توسعه یعنی انسان‌ها می‌گذارد و مبارزه با این فعالیت حجم زیادی از منابع مالی دولت را به خود اختصاص می‌دهد، با یک ضریب اهمیت بالایی در مرکز توجه قرار می‌گیرد.

–شما از آخرین برآوردها در مورد سهم این فعالیت‌ها در اقتصاد کشور اطلاع دارید؟

در مورد سهم فعالیت‌های غیررسمی در اشتغال کشور یافته‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ یافته‌هایی است که به گمان من با همه اهمیتی که دارد کمتر

اقتصاد زیرزمینی بازدارنده رشد و توسعه

مهدی تقوی

۱۴



فعالیت زیرزمینی؛ زیر زمین

مریم بابایی

۱۴



بزرگ‌ترین تالار مطالعه جهان

ابراهیم اسکافی

۱۵



دریاچه دیگر آب ندارد

مژگان جمشیدی

۱۶



نگاه

منصور بیطرف



نشش نکته پیرامون

اقتصاد پنهان و زیرزمینی

۱- شاید در اولین دیداری که یک اقتصاددان یا کارشناس اقتصادی – اجتماعی مقیم خارج از ایران و به ویژه تهران انجام ندهد نخستین سوالی که در ذهن او پدیدار شود این است که «چرا اینقدر دستفروش یا پیک موتوری در شهر وجود دارد؟» به طور حتم این سوال برای همه ما در پس‌زمینه ذهن‌مان ایجاد شده و شاید هم تنها جوابی که به آن می‌دهیم و درست هم هست این باشد: «فشار زندگی و بیکاری». اما از نگاه تحلیلی وجود این همه دستفروش و ... برده دیگری از اقتصاد اجتماعی را در کشور نشان می‌دهد؛ برده‌ای که عناصر آن بازیگران اقتصاد پنهان ایران هستند. لذا سوالاتی که طرح می‌شود این است که چرا اقتصاد پنهان یا زیرزمینی یا خاکستری در ایران وجود دارد. البته می‌توان این سوال را از وجه دیگری هم طرح کرد و آن این است که چرا اقتصاد پنهان نه‌تنها از ایران خارج نشده بلکه سال به سال هم شاهد گسترش آن هستیم.

۲- بر اساس آماري که چندی پیش یکی از اقتصاددانان در خصوص اقتصاد پنهان در ایران ارائه کرده بود حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران را حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده بود. این آماري است که همه اقلام اقتصاد زیرزمینی اعم از کار در خانه، دستفروشی و همچنین فعالیت‌های قاچاق را دربر می‌گیرد. اما برای آنکه بتوان تصویر دقیق‌تری از اقتصاد زیرزمینی داشت اندازه‌گیری دیگری هم وجود دارد که معمولاً از سسوی اقتصاددانان بانک مرکزی انجام می‌شود و آن مابه‌التفاوت درآمد و هزینه خانوارهاست. آخرین آمارگیری انجام‌شده حاکی از آن است که درآمد یک خانواده متوسط شهری تنها ۷۳ درصد از کل هزینه‌ها را پوشش می‌دهد که این رقم در مناطق روستایی، کمتر از ۷۰ درصد است. پس برای پر کردن این فاصله باید از منابع ثبت‌نشده استفاده کرد. این منابع چه می‌تواند باشند جز فعالیت‌های پنهان؛ فعالیت‌هایی که در منابع رسمی ثبت نمی‌شوند و می‌توانند به فعالیت‌های رسمی اقتصاد هم آسیب برسانند. باید گفت این‌ امر برای یک خانواده یک امر اجتناب‌ناپذیر است زیرا زمانی که هزینه‌های یک خانواده به طور مداوم از درآمدهای آن بیشتر است درحالی که سعی بر این است که میزان بدی‌های خانواده افزایش نیابد، باید به این نتیجه رسید که منابع پنهانی برای تأمین کسری بودجه خانواده وجود دارد.

۳- راهل دیگری که برای اندازه‌گیری اقتصاد پنهان وجود دارد افزایش نقدینگی در جامعه است.افزایش نقدینگی در جامعه و نسبت آن با تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی است چون اغلب معاملات اقتصادی ثبت نشده با پول نقد انجام می‌شود. با در نظر گرفتن عوامل ذکرشده در بالا می‌توان به یک جمع‌بندی مشترک رسید. آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی ایران حاکی از آن است که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۸، ۱/۵۸ بود، در سال ۱۳۷۰ به عدد ۲۴/۴۳ و در سال ۱۳۸۰ به ۵۷/۳ افزایش یافت. این نسبت اکنون به بالاتر از ۶۵ رسیده است.

البته علت افزایش این ارقام تنها به معنای گسترش اقتصاد زیرزمینی نیست بلکه این افزایش بیانگر این موضوع نیز هست که احتمالاً روند تدریجی گسترش اقتصاد زیرزمینی در آینده نیز ادامه خواهد داشت. زیرا نتایج آمارگیری‌های مقطعی توسط مرکز آمار ایران از بودجه خانواده‌ها نشان می‌دهد فاصله میان درآمدها و هزینه‌های جاری خانواده‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

اما چرا اقتصاد زیرزمینی در ایران رو به گسترش است؟

۴- بر اساس بررسی‌هایی که چندی پیش از سوی نهادهای بین‌المللی صورت گرفته علاوه بر عوامل بین‌المللی و شناخته‌شده که در به وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی دخالت دارند چند عامل مؤثر دیگر در به وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی در ایران نقش دارند. تاریخ، حمایت‌های مالی از فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف، برخی سیستم‌های اقتصادی منحرف‌شده، بعضی محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله در زندگی روزمره مردم ایجاد شده، شماری از تبعیض‌ها میان زن و مرد و نظارت ضعیف از جمله هفت رکن تقویت‌کننده اقتصاد زیرزمینی در ایران هستند، البته اگر به این هفت رکن، تاریخ استبدادی گذشته و موروثی ایران را هم اضافه کنیم، می‌توانیم به علت اصلی دیگری از این مشکل هم پی ببریم؛ علتی که سبب شده ارتقا د دیوار روانی بی‌اعتمادی میان دولت و مردم که از مدت‌ها پیش بنا شده بلندتر شود و همین امر باعث شده شهروندان فعالیت‌هایشان را تا آنجایی که می‌توانند از دولت پنهان کنند.

۵- به این آمارها هم دقت کنید: الف – براساس یک برآورد دولتی، بین ۲۰ تا ۲۵ درصد اعتبار سالانه بخش کشاورزی توسط بازار تأمین می‌شود. در نتیجه درحالی که کمتر از ۲۰ درصد اعتبار سالانه بخش خصوصی از این منبع در سال ۱۳۵۶ تأمین می‌شد، درحال حاضر این رقم از مرز ۴۰ درصد هم عبور کرده است. ب- براساس یک آمار غیررسمی دیگر، ۱۲ درصد نیروی کار شهری را دستفروشان، فروشندگان مغازه‌ها، مسافرکش‌ها و پیک‌های موتوری تشکیل می‌دهند. پ – چندی پیش رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام کرد ۱۹ میلیارد دلار از تجارت ایران را قاچاق تشکیل می‌دهد. به گفته او ۱۶ میلیارد دلار از واردات کشور و سه میلیارد دلار از صادرات کشور قاچاق هستند.

۶- اگر حجم تجارت غیرنفتی ایران را سالانه ۷۸ میلیارد دلار فرض کنیم می‌توانیم به همان نکته بالا برسیم که ۲۵ درصد اقتصاد ایران را اقتصاد پنهان و با توجه به رشد فعالیت غیرثبت‌شده این نسبت به بیش از ۳۵ درصد می‌رسد.

چکیده یک پژوهش

علی‌نابی‌پیان

اقتصاد زیرزمینی ایران

و رابطه آن با اقتصاد رسمی

اندازه‌گیری حجم اقتصاد زیرزمینی از ۱۹۷۰ برای سیاستگذاران به دلایل مختلفی مهم بوده است. وجود اقتصاد زیرزمینی بزرگ و در حال رشد، اندازه اقتصاد را کمتر از حد نشان می‌دهد و علامت وجود انحراف از بازار، مقررات دست و پاگیر و بالا رفتن مشکلات حکومت است و علامت نادرستی را در رابطه با وضعیت اقتصاد نشان می‌دهد که به نتایج و سیاست‌های پیشنهادی ناکارا منجر می‌شود. داشتن اطلاعات از اندازه و ابعاد اقتصاد زیرزمینی اهمیت فراوانی از جنبه فرار مالیاتی، اثربخشی سیاست‌های پولی و مالی، رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارد. در این پژوهش با استفاده از روش «علل چندگانه شاخص چندگانه» به برآورد و بررسی علل و آثار اقتصاد زیرزمینی در ایران، طی دوره ۱۴۰۱ تا سال ۱۳۴۴ از ۱۳۸۴ پرداخته شده است. سپس با استفاده از آزمون علیت گرنجر، رابطه علی بین اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد رسمی بررسی شده است. اندازه نسبی این پدیده در دوره ۱۴۰۱هـ مورد بررسی روند افزایشی داشته، و از ۶/۲۴درصد اقتصاد رسمی در سال ۱۳۴۴ شروع می‌شود و در سال ۱۳۴۶ به حداقل مقدار خود یعنی ۵/۵۰ درصد اقتصاد رسمی می‌رسد و طی این مسیر همراه با فراز و نشیب‌هایی است که نهایتاً در سال ۱۳۸۰ به حداکثر مقدار خود یعنی ۲۷/۷۶ درصد اقتصاد رسمی می‌رسد و به ۲۶/۱۵ درصد اقتصاد رسمی در سال ۱۳۸۴ خاتمه می‌یابد. میانگین اندازه نسبی اقتصاد زیرزمینی طی این دوره ۲۱ساله ۱۷/۵۴ درصد اقتصاد رسمی بوده است. نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد روند تغییر و تحول اقتصاد زیرزمینی در ایران به طور معنی‌داری از دو متغیر بیکاری و محدودیت‌های تجاری تبعیت می‌کند. همچنین آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد اقتصاد رسمی علیت گرنجر اقتصاد زیرزمینی است. ولی برای عکس این رابطه شواهدی یافت نشد.

فرشاد مومنی باز هم به نفت و رانت حاصل از نفت اشاره می‌کند اما معتقد نیست این موهبت طبیعی به خودی خود مقصر اصلی همه مشکلات اقتصادی ما باشد، بلکه مشکل فضای حاکم بر اقتصادهای رانتی است. چراکه تصمیم‌گیری‌ها در چنین فضایی آنچنان که باید باشد، نیست و درآمدها آن طور که باید، در جای خود اختصاص نمی‌یابد. از نظر او به همین دلیل است که تقریباً تمامی مطالعات سال‌های گذشته نشان می‌دهد افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی با روندهای افزایش چشمگیر فعالیت‌های موسوم به اقتصاد زیرزمینی همبستگی مهمی دارد. این مطالعات نشان می‌دهد چشم‌اندازهای آینده بخش غیررسمی اقتصاد در صورت تداوم این روندها، چشم‌اندازهای گسترش‌یافته‌ای است. شواهد این امر سهم بیش از ۵۳ درصدی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در اقتصاد ایران و از آن نگران‌کننده‌تر محسوب شدن ۸۳ درصد دارندگان این فعالیت‌ها جزء فقر است. متن زیر گفت‌وگویی است با فرشاد مومنی پیرامون فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی.



زیرزمینی مثل قاچاق یکسری کالاها باعث می‌شود انحصار دولتی تا حدودی کاهش پیدا کند، شما این مورد را به عنوان نتیجه مثبت فعالیت‌های زیرزمینی قبول دارید؟

– برآورد ایشان چقدر بوده است؟
برآورد ایشان که با متدولوژی تقریباً نزدیک به متدولوژی شفافیت بین‌المللی صورت گرفته است، حکایت از این دارد که بیشتر کسانی که مورد سوال قرار گرفته‌اند خودشان اذعان کرده‌اند به گونه‌ای در معرض تجربه فساد مالی به شکل‌های مختلف قرار داشته‌اند. ما دقیقاً باید این مساله را به ضوابط علمی مورد بررسی قرار دهیم و منشأهای عمده تقویت‌کننده آن را شناسایی کنیم و با یک اراده و سازماندهی مناسب با آن مبارزه کنیم.

–آقای دکتر بعضی از کارشناسان معتقدند این فعالیت‌ها جسد از همه تأثیرات منفی‌های که داشته توانسته طی همه این سال‌ها فشارهای بین‌المللی را در زمان تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی تا حدودی خنثی کند و از این نظر نقش مثبتی داشته است. شما با این نظر موافق هستید؟

من مطلقاً با این نظر مخالفم.

– چرا؟

وقتی ما از منظر تخصصی به مسائل اقتصادی نگاه می‌کنیم باید بین سطوح تحلیل و بحثی که مطرح می‌شود تفاوت قائل شویم. زمانی ما در سطح خرد بحث می‌کنیم، در آن سطح می‌توان گفت کسانی که در معرض فعالیت‌های زیرزمینی حتی از نوع ماضی‌گرایانه آن متحمل شده است،

– عده‌ای از کارشناسان بر این باورند که فعالیت‌های زیرزمینی در جامعه ما راهی برای فرار از بوروکراسی‌های طولیل دولتی است. نظر شما در این زمینه چیست، آیا واقعاً مشکل از دولتی بودن اقتصاد و بوروکراسی‌های طولیل دولتی است که باعث افزایش رشد فعالیت‌های زیرزمینی می‌شود؟
من فکر می‌کنم مفهوم اقتصاد دولتی یک مفهوم کلیشه‌ای است که به خودی خود هیچ معنایی ندارد. نمی‌توانیم بگوییم اقتصاد دولتی به معنای اینکه سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بالاست، فی‌نفسه و در ذات خودش فسادآور است. الان کشورهای اسکاندیناوی در زمره اقتصادهایی‌اند که دخالت دولت در آنها در بالاترین سطوح تجربه‌شده دنیا قرار دارد ولی همواره جزء ۱۰ کشور با بالاترین سطح پاکدامنی اقتصادی هستند.

– ادامه در صفحه ۱۴

کمبود منابع نیست بلکه مساله اصلی کیفیت تصمیم‌گیری و تخصیص منابع است. به طور کلی به لحاظ نظری گفته می‌شود در اقتصادهای رانتی فعالیت‌های تصمیم‌گیری و تخصیص منابع بر یک مولفه بنیادی استوار است که اصطلاحاً به آن رویه‌های کوتاه‌گرایانه گفته می‌شود.

– منظور از رویه‌های کوتاه‌نگرانه چیست؟
منظور از رویه‌های کوتاه‌نگرانه این است که در آن شرایط دولت به‌ عنوان مرکز و کانون توزیع رانت مورد توجه رانت‌جویان قرار می‌گیرد و فعالیت‌های رانت‌جویی نسبت به فعالیت‌هایی که مضمون توسعه‌ای و بالندگی‌آور دارند، مرجح دانسته می‌شود. در چنین شرایطی گفته می‌شود فضای رانتی به واسطه اینکه می‌تواند از طریق نزدیک شدن به کانون‌های توزیع رانت منافع فردی و بنگاهی را بدون اینکه تلاش‌های مطوف به دانایی و کارایی وجود داشته باشد، حداکثر کند. انگیزه‌های دانایی، کارایی و بهره‌وری را به حداقل می‌رساند. از همین زاویه گفته می‌شود در دوران شکوفایی درآمدی اقتصاد نفتی فساد مالی هم‌زاد فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. به عنوان مثال شما اگر به منزلت سهیل‌انگاری یا سوت‌دبیر در زمینه نحوه استفاده از درآمدهای نفتی در اقتصاد ملی از این ناحیه هم خسارت‌های گاه جبران‌ناپذیر و بحران‌آفرین به اقتصاد ملی وارد می‌کنند و از آنجایی که با چشم‌های غیرتخصصی این پدیده مهم قابل فهم و ادراک نیست، پیچیدگی‌های زیادی را می‌تواند برای نظام ملی به همراه آورد.

– شما به درآمدهای نفتی و رانت حاصل از نفت در جامعه اشاره کردید، می‌توانید به طور مشخص رابطه وجود رانت را با رشد این مشاغل و بخش غیررسمی اقتصاد توضیح دهید؟

به طور کلی گفته می‌شود در ادبیات توسعه برای مدت‌زمان طولانی این بحث مطرح بود که عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ای که قادر به توضیح پدیده توسعه‌نیافتگی و تداوم آن در کشورهای در حال توسعه می‌شود، چیست؟ در پاسخ به این سوال دو گروه عمده از پاسخ‌ها مطرح شده که یک گروه روی محدودیت منابع مادی تمرکز می‌کنند و گروه دیگر روی محدودیت‌هایی که در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع اتفاق می‌افتد. تجربه شوک‌های نفتی مکرر در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا امروز، تقریباً نظریه‌پردازان توسعه را به این اجماع رسانده که مساله اصلی و تعیین‌کننده